

داستان‌های فانتزی

لورا کاثون
علی خاکبازان

گرچه ادبیات فانتزی، معمولاً به نوعی از ادبیات اطلاق می‌شود که هسته اصلی مخاطبانش را کودکان شکل می‌دهند، دلایل و شواهد کافی و قانع‌کننده‌ای وجود دارد که این تلقی دگرگون شود و از این پس، ادبیات فانتزی را صرفاً کودکانه نپنداریم و برای آن مخاطبانی از تمام گروه‌های سنی در نظر بگیریم. یکی از دلایل اصلی چنین دگرگونی و چرخشی در طرز تلقی نسبت به ادبیات فانتزی، وجود نویسنده‌ای است به نام جی. آر. آر. تالکین^۱ و آثاری که عرضه کرده است؛ رمان بسیار مشهور هابیت^۲ و رمان سه شناختی ارباب حلقه‌ها^۳. البته دلایل دیگر این کار را می‌توان در علم روان‌شناسی جست و جو کرد؛ چرا که پس از عرضه آثار تالکین، نظریه‌هایی روان‌شناختی ارائه شد که هدف آن‌ها، اثبات نظریه‌های این نویسنده آلمانی‌الاصل بوده است.

تالکین نظر خود را در این باره، در مقاله‌ای به نام «در باب داستان‌های پریان» ارائه داده و هر دو گروه مخاطبان (کودکان و بزرگسالان) را در مورد داستان‌های پریان مورد بررسی قرار داده است. به نظر او هسته اصلی مخاطبان ادبیات فانتزی را کودکان تشکیل می‌دهند و می‌گوید: «معمولاً فرض بر این است که کودکان» به‌طور طبیعی مناسب‌ترین مخاطبان داستان‌های پریان هستند.»

این هسته اصلی امروزه نیز وجود دارد و به نظر می‌رسد که مصراغه حفظ می‌شود. نکته بسیار قابل توجه و کلیدی که می‌توان آن را اساس چنین طرز فکری دانست، وجود این داستان‌ها در بخش کودکان تمام کتابخانه‌هاست. داستان‌های فانتزی و پریان را به راحتی می‌توان در بخش کودکان تمام کتابخانه‌ها یافت و تقریباً تمام فیلم‌ها یا انیمیشن‌هایی که براساس این داستان‌ها ساخته می‌شوند، کودکان را به عنوان مخاطب خود، هدف گرفته‌اند.

تالکین می‌پرسد: «آیا هیچ ارتباط ضروری و ناگزیری بین این نوع داستان‌های کودکان وجود دارد؟»

و ادامه می‌دهد که علاقه بزرگسالان به این داستان‌ها، اگر از کودکان بیشتر نباشد، به هیچ‌وجه کم‌تر نیست. این همان بخشی از عقاید تالکین است که برخی نظریه‌های روان‌شناختی نیز از آن حمایت می‌کنند.

یکی از نظریه‌های روان‌شناختی که در کتاب روان‌شناسی سول کاسین^۴ آمده است، ادعا می‌کند که «تکوین شناخت و بسط یافتن معرفت در کودکان، فرایندی نیست که با تقلید کورکورانه و طولی‌وار آن‌چه به آن‌ها گفته می‌شود، شکل بگیرد. برعکس، خلق تصورات و مفاهیم عقلی در خلال تلافی پیچیده‌ای که بین آگاهی‌های اولیه و اطلاعات جدید شکل می‌گیرد، رخ می‌دهد. سپس ترکیب این دو، به نوبه خود با جهان بیرون تلافی می‌کنند و نتیجه نهایی به دست می‌آید.»

به نظر می‌رسد کاملاً روشن است که کودکان می‌توانند این فرایند را با وجود پیچیدگی‌هایی که دارد، پشت سر بگذارند و از عهده آن برآیند. بسیاری از بزرگسالان مورد اشاره تالکین در مقاله «در باب داستان‌های پریان» موافق نیستند که استفاده از سحر و افسون گفتن برای بچه‌ها، فقط به این دلیل که هر چه به آن‌ها گفته می‌شود، فوراً می‌پذیرند، کار ساده‌ای است. به عقیده تالکین، معصومیت کودکان تصویری است که بزرگسالان به دلیل فروتنی کودکان و فقدان تجربه نقدکنندگی و کمبود وازگان اشتیاق آن‌ها (با توجه به سن و دوره رشدشان) در ذهن خود ایجاد کرده‌اند.

گرچه ادبیات فانتزی، معمولاً به نوعی از ادبیات اطلاق می‌شود که هسته اصلی مخاطبانش را کودکان شکل می‌دهند، دلایل و شواهد کافی و قانع‌کننده‌ای وجود دارد که این تلقی دگرگون شود و از این پس، ادبیات فانتزی را صرفاً کودکانه نپنداریم و برای آن مخاطبانی از تمام گروه‌های سنی در نظر بگیریم

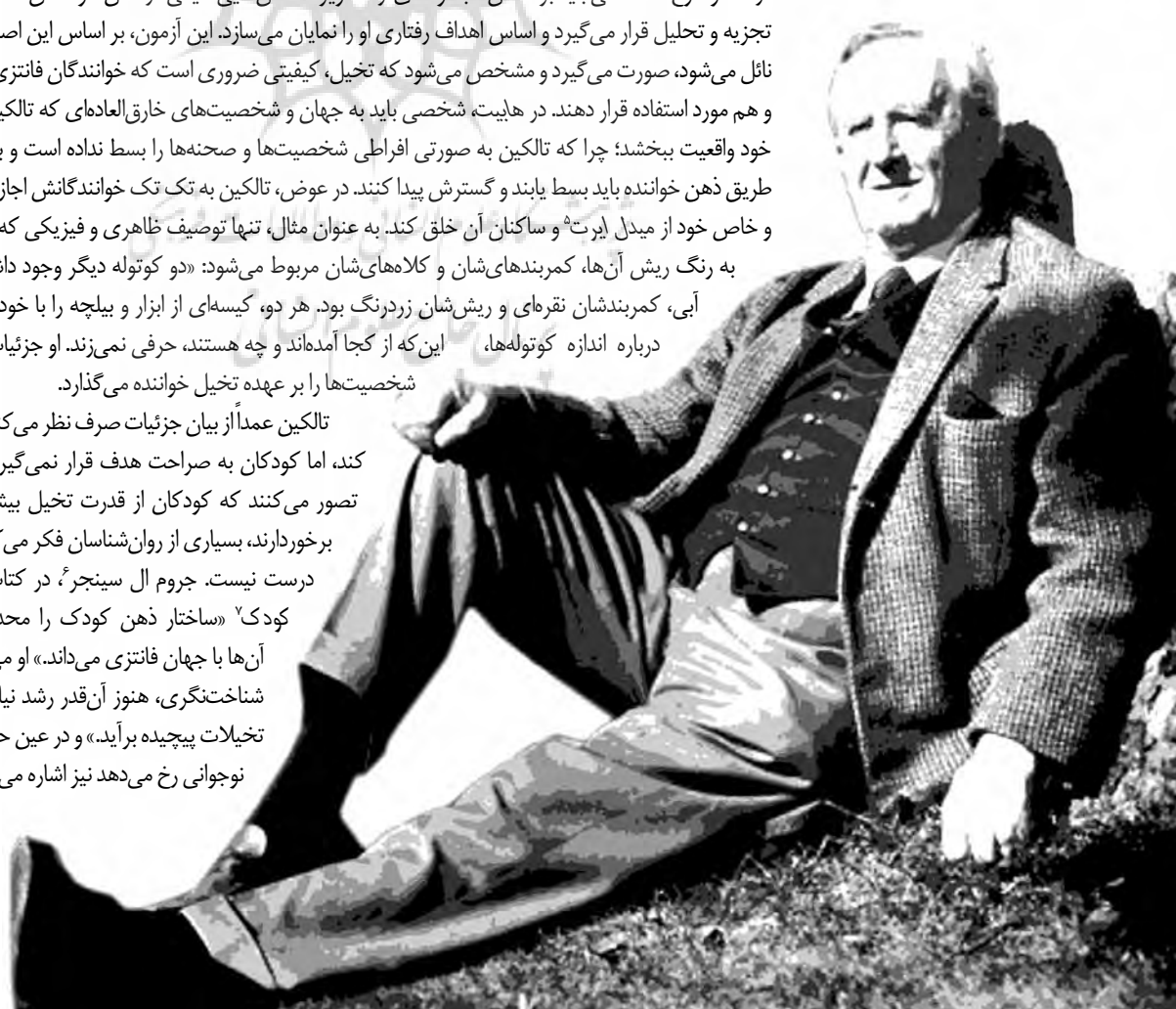
شم کودکان به حد کافی قوی است که بتواند از دنیای واقعی تجربه بیندوزد و آن را با حوادث غیر واقعی داستان‌های فانتزی بسنجد. این درست شبیه توانایی بزرگسالان در تمیز دادن بین ارزش سرگرم‌کنندگی داستان‌های پریان و غیر واقعی بودن حوادثی است که در این داستان‌ها رخ می‌دهد. در نتیجه، نویسندگان داستان‌های فانتزی مجازند حوادث و شخصیت‌های کاملاً غیر واقعی را در آثار خود خلق کنند؛ با علم به این که هم مخاطبان کودک و هم مخاطبان بزرگسال قادرند بپذیرند که آن‌چه در این گونه داستان‌ها رخ می‌دهد و شخصیت‌های آن‌ها زاینده ذهن خلاق نویسندگان‌شان هستند و نباید در پی یافتن دلایل یا اسنادی برای اثبات صحت و اصالت آن‌ها باشند. مخاطبان می‌دانند که هدف داستان‌های فانتزی، سرگرم کردن خواننده و ارضای طبیعت نامتعارف و عجیب و غریب است.

کودکان به تدریج توانایی تمیز دادن واقعیت از خیال را به دست می‌آورند و می‌توانند بین این دو تفاوت قائل شوند؛ با این حال هنوز این توانایی به سطحی که بزرگسالان از آن برخوردارند، نرسیده است. تالکین می‌گوید: «حتی اگر کودکان بین هفت تا دوازده ساله هم همان دلایل را برای حل یک مسئله مشخص ارائه دهند که بزرگسالان عرضه می‌کنند، باز هم به توان اندیشیدن به پای بزرگسالان نرسیده‌اند. به همین دلیل، زمانی که بسیاری از کودکان به این نتیجه می‌رسند که هابیت‌اثری صرفاً فانتزی است، ترجیح می‌دهند فقط جنبه سرگرم‌کنندگی آن را در نظر بگیرند و به جنبه‌های دیگر آن توجهی نمی‌کنند. در حالی که بزرگسالان ممکن است تشخیص دهند که اشارات و نشانه‌های بسیاری در پس‌ظاهر فانتزی و سرگرم‌کننده هابیت وجود دارد؛ زیرا از قدرت درک و اندیشیدن بیشتری برخوردارند.»

بزرگسالان شاید هابیت را بیان کلیشه‌ای انزواطلبی یا عزلت‌گزینی انگلیسی بدانند یا داستانی درباره قهرمانان قرون وسطی بنامند یا حتی آن را درسی درباره زندگی قلمداد کنند. گرچه رویارویی شخصیت‌ها و موقعیت‌ها در آثار تالکین، چنان جنبه‌های سرگرم‌کننده‌ای به خود می‌گیرد و عطش ذاتی کودکان به ماجراجویی را ارضا می‌کند، در عین حال آن‌قدر عمیق و خلاقانه بیان شده‌اند که توجه بزرگسالان را نیز به خود جلب می‌کند. نکته بسیار مهم و قابل توجه، این است که کودکان نیز مانند بزرگسالان، برای تمیز دادن بین واقعیت و خیال قادرند دلایل متقن و مستدل ارائه دهند؛ گرچه هنوز قدرت تجزیه و تحلیل آن‌ها به پای بزرگسالان نرسیده است. هابیت کودکان و بزرگسالان را جذب خود می‌کند؛ چرا که جنبه‌های بزرگسالانگی را در کنار ویژگی‌های سرگرم‌کننده کودکانه قرار داده است.

راهکار مخاطبان دوتایی (منظور مخاطبانی است که دو گروه سنی را در بر می‌گیرد: کودکان و بزرگسالان) ادبیات فانتزی، با آزمون‌های روان‌شناختی که در آن فانتزی با تخیل یکسان فرض می‌شود، پی‌گیری شد. در یکی از این آزمون‌ها- به نام آزمون درک موضوع- شخصی باید بر اساس مجموعه‌ای از تصاویر، داستان‌هایی خیالی در ذهن خود خلق کند و آن‌چه خلق می‌شود، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و اساس اهداف رفتاری او را نمایان می‌سازد. این آزمون، بر اساس این اصل که تخیل به خلق فانتزی نائل می‌شود، صورت می‌گیرد و مشخص می‌شود که تخیل، کیفیت ضروری است که خوانندگان فانتزی، هم باید آن را داشته باشند و هم مورد استفاده قرار دهند. در هابیت شخصی باید به جهان و شخصیت‌های خارق‌العاده‌ای که تالکین خلق کرده است، در ذهن خود واقعیت ببخشد؛ چرا که تالکین به صورتی افراطی شخصیت‌ها و صحنه‌ها را بسط نداده است و به همین دلیل، آن‌ها فقط از طریق ذهن خواننده باید بسط یابند و گسترش پیدا کنند. در عوض، تالکین به تک تک خوانندگانش اجازه می‌دهد تصویری شخصی و خاص خود از میدل‌ایرت^۵ و ساکنان آن خلق کند. به عنوان مثال، تنها توصیف ظاهری و فیزیکی که تالکین از کوتوله‌ها می‌کند، به رنگ ریش آن‌ها، کمربندهای‌شان و کلاه‌های‌شان مربوط می‌شود: «دو کوتوله دیگر وجود داشتند. کلاه‌های هر دو آن‌ها آبی، کمربندهای‌شان قرمزی و ریش‌شان زرد رنگ بود. هر دو، کیسه‌ای از ابزار و بیلچه را با خود حمل می‌کردند.» نویسنده درباره اندازه کوتوله‌ها، این‌که از کجا آمده‌اند و چه هستند، حرفی نمی‌زند. او جزئیات بیشتر درباره آن‌ها و دیگر شخصیت‌ها را بر عهده تخیل خواننده می‌گذارد.

تالکین عمداً از بیان جزئیات صرف نظر می‌کند تا ذهن خواننده را تحریک کند، اما کودکان به صراحت هدف قرار نمی‌گیرند. در حالی که اغلب مردم تصور می‌کنند که کودکان از قدرت تخیل بیشتری نسبت به بزرگسالان برخوردارند، بسیاری از روان‌شناسان فکر می‌کنند که لزوماً چنین تصویری درست نیست. جروم آل سینجر^۶، در کتاب خود به نام دنیای خیالی کودک^۷ «ساختار ذهن کودک را محدودیتی در راه ایجاد ارتباط آن‌ها با جهان فانتزی می‌داند.» او می‌گوید: «ذهن کودک از نظر شناخت‌نگری، هنوز آن‌قدر رشد نیافته است که بتواند از عهده تخیلات پیچیده برآید.» و در عین حال با دقت به تغییراتی که در نوجوانی رخ می‌دهد نیز اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «دقت و



قدرت تخیل نوجوان، نشانه بروز پختگی در فرایند رسیدن به شناخت است.» به بیان دیگر، با توجه به این که تخیل یک ویژگی ذاتی و درونی است، کودک تا رسیدن به نوجوانی و بزرگسالی، در آن به تکامل نمی‌رسد. با این اوصاف، چنین به نظر می‌رسد که مهارت یافتن در شناخت‌نگری تخیل، همراه با افزایش سن بیشتر می‌شود.

به عنوان نتیجه چنین رشدی، معنی و مفهوم فانتزی با رسیدن افراد به سن بلوغ، در آن‌ها هیچ تغییری نمی‌کند. انسان‌ها هر چه بتوانند انتزاعی‌تر فکر کنند، بهتر می‌توانند از تخیل و تجربه‌ای که در نتیجه خواندن داستان‌های فانتزی کسب می‌کنند، بهره ببرند. سینجر می‌گوید که تخیل بعد از دوره کودکی قدرت بیشتری می‌یابد؛ چرا که نوجوان از تجربه بیشتری برخوردار است تا اطلاعات و دانش خود را شکل دهد و به‌طور کلی شناخت و درک بهتری از جهان دارد. چنین استنباط می‌شود که تخیل، به محرک‌هایی از جهان پیرامون، روابط دقیق، ارتباط‌های خانوادگی و زمان و فضای مناسب نیاز دارد تا جلوه‌گر شود و رشد کند. این امر سینجر را به این نتیجه رساند که یکی از راه‌های آموختن رفتارهای فانتزی، مشاهده مدل‌هاست. کودکان سرانجام از بزرگسالان که قادرند تخیل را با اندیشه انتزاعی ترکیب کنند، پیروی می‌کنند؛ چرا که آن‌ها هم بزرگ‌ترند و هم راهنما. به همین دلیل است که داستان‌های پریان، از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند. کودک ابتدا بزرگسال را مشاهده می‌کند که به تخیلات دامن می‌زند و مسبب رشد آن می‌شود، سپس قدمی به جلو برمی‌دارد؛ به این ترتیب که از داستان‌های فانتزی عمیقاً لذت می‌برد و خود به یک مدل بزرگسال برای کودکان آینده تبدیل می‌شود. به دلیل وابستگی ادبیات فانتزی به بزرگسالان، در جهت تشویق و ترغیب کودکان به خواندن داستان‌های فانتزی، هم کودک و هم بزرگسال، نقشی اساسی در بقای داستان‌های پریان در آینده ایفا می‌کنند. داستان‌های پریان باید به هر دو گروه مخاطبان متوسل شود و در غیر این صورت، چرخه تخیل متوقف خواهد شد و ادبیات فانتزی دیگر وجود نخواهد داشت.

یکی دیگر از شواهدی که از جنبه روان‌شناسی، نظریه‌های تالکین را تأیید می‌کند، مناقشه بین ذات و تربیت است. ژول پاریس^۸ مواجهه بین دیدگاه‌های زیستی^۹ و محیطی^{۱۰} را در کتابش به نام اسطوره‌های کودکی^{۱۱}، با چنین سؤال‌هایی مورد بررسی قرار می‌دهد: «چرا مردم تا این حد نسبت به یکدیگر تفاوت دارند؟» یا «پاسخ در ذات افراد است یا در تربیت آن‌ها؟» به عبارت دیگر، آیا انسان‌ها از نظر زیستی مستعد هستند تا با یک روش معین عمل و فکر کنند؛ یا حوادثی که در زندگی رخ می‌دهد و محیط، در شکل دادن شخصیت افراد نقش دارد؟ او توضیح می‌دهد که «عقل سلیم» بدون شک هر دو گزینه را در نظر می‌گیرد و نقش هر کدام را در جای خود مورد ارزیابی قرار می‌دهد. گرچه هر کودک زندگی را با آن‌چه از والدین ارث می‌برد و خلق و خوبی ذاتی شروع می‌کند، شخصیت نهایی و پیچیده‌ای که هر فرد به خود می‌گیرد، نتیجه تجربه‌های متعدد متوالی زندگی است. اگر عقاید پاریس را در نظریه‌های تالکین مقایسه کنیم، آشکارا شبیه هم هستند.

«در حقیقت فقط برخی از کودکان و بزرگسالان نسبت به داستان‌های فانتزی ذائقه خاصی دارند که البته

نه انحصاری است و نه لزوماً برجسته و قابل توجه. این فقط یک ذائقه است که فکر می‌کنم می‌تواند در اوان کودکی، بدون هیچ محرک مصنوعی بروز کند. این ذائقه دقیقاً چیزی است که با افزایش سن نه فقط کاهش نمی‌یابد، بلکه افزایش نیز پیدا می‌کند. البته در صورتی که این ذائقه و تمایل ذاتی و درونی باشد.»

آثار تالکین با مناقشه بین ذات و تربیت، در حیطه تکوین احساسات و شناخت، آشنا بوده است؛ به نظر می‌رسد که او احتمالاً به سوی ذات تمایل یافته بود و این از اظهاراتش درباره وجود تمایلی اساسی نسبت به داستان‌های فانتزی برمی‌آید. به هر حال، تالکین هم‌چنین خاطر نشان می‌کند که این سرشت، با بالا رفتن سن کامل‌تر و پخته‌تر می‌شود و مبنای این گفته، نظریه تربیت پایه است. تالکین و سینجر (در ابتدای کارش) ادعا کردند که بزرگسالان باید در خلال تأثیرات محیط، یاد بگیرند که برای ادبیات فانتزی اهمیت قائل شوند؛ حتی بسیار بیشتر از آن‌چه کودکان‌شان اهمیت می‌دهند. این بزرگسالان هستند که اصرار دارند داستان‌هایی برای کودکان‌شان بخوانند و آن‌ها را تطبیق دهند؛ درست مانند این که این بزرگسالی است که تکوین یافتن تخیل کودک را بر عهده دارد. فرض بر این است که ذائقه ادبیات فانتزی هم‌زمان با رشد کودک و تشویق بزرگسالان افزایش می‌یابد. گرچه برخی از والدین ممکن است به عنوان سرگرمی برای فرزندان‌شان داستان بخوانند، علاقه شخصی والدین دلیل دیگری برای بقای داستان‌های فانتزی به شمار می‌آید. به نظر تالکین «داستان‌های فانتزی - جدا از هنر کاملی که بزرگسالان در خلق آن‌ها ارائه می‌دهند - در پایان به ویرانی منجر می‌شود و فقط به عنوان یک موضوع لطیف در ذهن کودک باقی می‌ماند که بسیار شکننده نیز هست». هستی داستان‌های پریان (فانتزی) نیز به همین صورت به پایان خواهد رسید؛ اگر بزرگسالان آن‌ها را پرورش ندهند و از آن‌ها مراقبت نکنند.

پی‌نوشت:

1- J. R. R. Tolkien

2- The Hobbit

3- The Lord of the Rings

4- Saul Kassir

5- Middle-Sarth

6- Jerom L Einger

7- The Child's World of Make-Believe

8- Jod Paris

9- enviromental

10- biological

11 Myths of childhood